

«جبر و مقابله» یا مقابله با جبر؟! (بخش دوم)

حسام سبحانی طهرانی / تصویرگر: سعید رزاقی

علت را یافتی؟ این مردمان دائم بر سر ارث و میراث و دادوستد و تقسیم اراضی به مشاجره مشغول اند. این کتاب را نگاشتم تا راه چاره‌ای بیابند.



من در جست‌وجوی کتاب مشهور خوارزمی بودم که ناگهان در زمان سفر کردم و خود را در مقابل خوارزمی و شاگردش که بسیار شبیه منجی است، یافتیم. به نظر من کتاب خوارزمی، «مقابله با جبر» است و نه «جبر و مقابله». اکنون خوارزمی از انگیزه نگارش کتابش برایم می‌گوید...



من برگی از آن را به پارسی برگردانده‌ام!

هیچ برگی از آن به پارسی موجود نیست؟

این کتاب سه بخش دارد. نخست به بنیان نظری جبر می‌پردازد. سپس از اندازه‌گیری طول و مساحت و حجم سخن می‌راند. در آخر هم درصدهای تقسیم ارث برمی‌آید.

فقط کمی کج شده!

هه! اینکه همان ۱۰ به زبان یونانی است!



من X را جایگزین «شیء» و X^۲ را جایگزین «حال» خواهیم کرد. خواهید دید که چه سهل خواهد شد.

ایکس؟!؟

چرا برای سهولت از ایکس بهره نمی‌برید؟



باید آن را تهیه کنیم. لابد از آلات حساب است!



کمی بعد ...

واحیر تا!
راه حل آن را
هم می دانی؟

خیر، لیکن برخی
دوستانم می گویند از راه
دلتا باید رفت.

حرفی یونانی است،
اما تاکنون آن را جهت
حل معادله ندیده‌ام!
این ایکس را که به تو
آموخته؟

مگر داریم؟ مگر
می‌شود؟ اکنون در سده
نهم پس از میلاد مسیح
هستیم، چگونه از آینده
سخن می‌رانی؟

نخستین بار
ریاضی دانی به نام ویت
در سده شانزدهم پس
از میلاد، مجهولات را با
حروف نشان داد.

به محمدبن موسی
خوارزمی و متفکرالمعالی
پیام رسانید که در کوی به
انتظار نشستهم.

ننه جون، تو که با این
قدوقواره نباید گدایی کنی،
پرو کار کن ننه، خدا روزی
رسونه.

این ساسان! ایشان را
فی الفور نزد ابن ربین طبری
ببر. گمان کنم به جنون مبتلا
گشته این جوانک.

شما را چه می‌شود؟!
اکنون سده بیست و یکم
پس از میلاد است!

اندکی صبر پیشه
کن تا بروم چند
درهمی از صندوق
بردارم.

پایان